

به نام خدا

داستان های شگفت انگیز (ج ۴)

مؤلف:

حجت الاسلام ایمان رنجبر

انتشارات ارسطو (چاپ و نشر ایران)

نوبت نشر: اول/۱۳۹۹

فهرست

- مقدمه..... ۴
- (۱) - درون قبر به هوش آمد..... ۱۰
- (۲) - یک سنگ به اندازه اطاق روی سینه اش بود..... ۱۳
- (۳) - شروع کرد به پرتاب کردن سنگ به سوی مردم..... ۱۷
- (۴) - گوسفندان چند روز است از این آب نمی آشامند..... ۲۰
- (۵) - سر را بر سینه اسب آویخته بود..... ۲۲
- (۶) - ماری آمد و بینی اش را گاز گرفت..... ۲۴
- (۷) - جوان صیحه ای زد و بیهوش افتاد..... ۲۶
- (۸) - خدا مرا برای تو آفریده است..... ۲۹
- (۹) - این شخص، در حالت سكرات بود..... ۳۱
- (۱۰) - تهمت خوردن به خاطر زنا نکردن..... ۳۴
- نکته..... ۴۴
- (۱۱) - آتش روی آب می ایستاد..... ۴۶
- (۱۲) - این، گناه سقط جنین تو است..... ۴۹
- نکته..... ۵۵

- ۱۵) - رفتار زشت تو، سینه ام را مجروح کرد..... ۷۱
- ۱۶) - مار سیاه باریکی دور گردن مادرم حلقه زده بود..... ۷۴
- ۱۷) - در عالم، حقیقتی وجود دارد..... ۷۷
- ۱۹) - انسان طی اطوار و مراحل آفریده شده..... ۱۱۷
- منابع..... ۱۳۲

مقدمه

از منظر دانش انواع ادبی، بخشی از ادبیات هر ملّتی را ادبیات نمایشی و داستانی تشکیل می دهد.

در ادبیات فارسی نیز داستان به صورت های متفاوتی یعنی قصه های عامیانه، افسانه ها، داستان های اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، تاریخی و ... در آثاری که از گذشتگان باقی مانده، به یادگار مانده است. و در مجموع، قسمت عمده

ای از فرهنگ فارسی را این چنین داستان هایی می سازند.

حتی بخش عمده ای از آیات کتاب آسمانیمان یعنی قرآن کریم را داستان های گذشتگان تشکیل می دهد. و بسیاری از تعالیم دینی، اخلاقی و عرفانی این کتاب؛ از خلقت انسان، خداجویی حضرت ابراهیم (علیه السلام)، استقامت و یکتاپرستی اصحاب کهف، پاکدامنی و توکل حضرت یوسف (علیه السلام)، زندگانی پرفراز و نشیب حضرت موسی (علیه السلام) گرفته تا بهانه های گوناگون بنی اسرائیل و وسوسه های شیطان و

غیر این‌ها در قالب داستان‌های گوناگون بیان شده است.^۱

در کتب مقدّس ادیان و مذاهب دیگر وضعیت به همین شکل است.

اهمیت داستان و داستان‌نویسی از طریق مطالعه این کتب برای ما روشن می‌شود. از این طریق که داستان در شکل‌های مختلفش وسیله‌ی مطمئن و مؤثری برای شکل‌دهی در ارائه‌ی اندیشه، مرام و احساسات به دیگران است.

۱. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «أَصْدَقُ الْقَوْلِ وَ أْبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ أَحْسَنُ الْقِصَصِ، كِتَابُ اللَّهِ.» «راست‌ترین سخن و رساترین پند و بهترین حکایت، کتاب خداست.» «میزان الحکمه: ۲۵۹/۱۳»

سیری در داستان نویسی جدید غرب و آفرینش داستان های نو و مکتب های جدید ادبی و داستانی و تأثیر آن در جهان، این اهمیت را شفاف تر می کند.

در این مکتب ها، از پست ترین احساسات و اندیشه های انحرافی تا والاترین افکار اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و ... در قالب داستان عرضه می شوند.

لازم به ذکر است که امروزه پای داستان به رشته های گوناگون دانش تجربی باز شده است. و داستان های علمی - تخیلی در فیزیک، ریاضی، زمین شناسی، علوم هسته ای، دانش فضا و ... پر جاذبه و پر طرفدار شده، و همچنین سبب پیشرفت های شگرفی در این علوم شده است.

این بررسی ها، اهمیت آشنایی و شناخت داستان و داستان نویسی را در حوزه های علمیه که کار تبلیغ دین را به عهده دارند، کاملاً آشکار و روشن می کند، تا دانش آموختگان علوم دینی با فراگیری اصول علمی داستان نویسی و تسلط بر آن، بتوانند با آفرینش داستان های کوتاه و بلند، از قدرت هنر بهره گیرند و جامعه را به سمت سعادت هدایت کنند.^۱

شایان ذکر است؛ انسان ها به علّت این که ذاتاً از شنیدن داستان لذّت می برند، لذا، یکی از بهترین شیوه ی تبلیغ دین و اثر پذیری مطالب - به خصوص در زمان فعلی - ، بیان دستورات الهی در قالب داستان است.

۱. کلک خیال انگیز (ادبیات فارسی) : ۳ / ۱۷۲

این کتاب، مجموعه ای از داستان های زیبا و
پند آموزی در زمینه های گوناگون است.
ثواب ناچیز این کتاب هدیه می شود به ارواح
مطهر و مقدّس پیامبران، ائمه معصومین و
آخرین منجی الهی حضرت مهدی (علیهم السلام)،
همه ی مؤمنین و مؤمنات خصوصاً پدر
مرحوم.

استان فارس شهرستان کازرون ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

(۱) - درون قبر به هوش آمد.

امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی مؤلف تفسیر معروف مجمع البیان در سبزوار می زیست و در سال ۵۴۲ یا ۵۴۸ قمری از دنیا رفت ...

از حکایت های مشهوری که به مرحوم طبرسی نسبت داده اند این است که: زمانی سگته سنگین بر او عارض شد به گونه ای که بی حرکت بر زمین افتاد. بستگان و حاضران تصور کردند از دنیا رفته است، لذا بدن او را غسل و کفن کرده و دفن کردند و به خانه های خود برگشتند.

ناگهان او در درون قبر به هوش آمد ولی خود را در قبر یافت، متوجه خدا شد و نذر کرد که هر گاه از تنگنای قبر نجات پیدا کند و سلامتی خود را باز یابد، کتابی در تفسیر قرآن تألیف کند.

از حُسن اتفاق، کفن دزدی تصمیم گرفت قبر او را نبش کند و کفن او را بدزدد. وقتی کفن دزد قبر را نبش کرد و خشت ها را کنار زد و بند کفن را باز کرد، علامه دست او را گرفت. او سخت ترسید. سپس علامه با او سخن گفت و او بیشتر ترسید.

علامه ماجرا را برای او بازگو کرد و گفت: نترس، سپس کفن دزد علامه را به دوش گرفت و او را به منزلش آورد.

علامه کفن خود را به او داد و اموال بسیاری هم
به او داد و او به دست علامه توبه کرد.
سپس علامه به نذر خود وفا کرد و تفسیر
گرانقدر مجمع البیان را که در ده جلد است به
عربی نوشت.^۱

۱. چهل داستان از عظمت قرآن کریم صص ۴۸-۴۹

۲)۔ یک سنگ به اندازه اطاق روی سینه
اش بود.

آقای اراکی می فرمود: یک شب مرحوم سید
مهدی کشفی که از شاگردان مرحوم شیخ
عبدالکریم حائری بود، از خواب بیدار شد و از
اطاق بیرون می آید تا برای نماز شب وضو
بگیرد. بقیه ماجرا را خود آقای کشفی چنین
نقل می کند: آمدم توی حیاط آفتابه را بردارم،
دیدم کل ساختمان و حیاط ما که پنجاه شصت
متر بیشتر نبود، خیلی بزرگ است و به صورت
کاروانسرای بسیار بزرگی است که حجره

فراوانی دارد، ناگاه دیدم از یکی از حجره ها یک صدای ناله دلخراشی می آید، به طرف این ناله رفتم دیدم یک حجره ای است و در این حجره یک نفر خوابیده و یک سنگ به اندازه اطاق روی سینه اش است و یک نفر هم از بالای سنگ خوابیده و یک میله آهنی داخل گلوی این شخصی که زیر سنگ خوابیده، می کند! ما هر چه این در را فشار دادیم، در حجره باز نشد تا کمک بنده خدا کنیم. خیلی ناراحت بودم.

آن شخص را می شناختم او یکی از تجار تهران بود. بازگشتم با کمال یأس خوابیدم، اما پس از مدتی دوباره بیدار شدم و آمدم داخل حیات، دیدم حیات سابق است. همان وقت، وضویی گرفتم و رفتم منزل حاج میرزا جواد آقای

تبریزی زنگ زدم. ایشان داشتند نماز شب می خواندند. بعد آمدند در را باز کردند. به او گفتم: آقا! یک چنین چیزی برای ما اتفاق افتاد، من نفهمیدم خواب بود یا بیداری. مرحوم حاج میرزا جواد آقا فرمودند: یک مکاشفه ای^۱ برای شما اتفاق افتاده، خواب نبوده. آن کسی هم که دیدی، فوت کرده و آن سنگ آسیاب هم متعلق به دنیایش بود و آن کسی را هم که دیدی بالا ایستاده بود و سیخ داخل گلویش می کرده، ملک الموت بوده و این حالت برای جان کندن بوده که شما دیده بودید، چیزی نیست.

۱. «مکاشفه» یعنی؛ اطلاع یافتن از امور غیبی و مشاهده

آنان. «واژگان شریعت ص ۳۵۳»